

سال دوم

جلسه ۱۱۱

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۶ / ۳ / ۹۱ شنبه

بحث تکمیلی درباره حروف

گفتیم : حروف دو دسته اند :

- برخی از حروف «**حکایی**» هستند

- برخی «**ایجادی**» هستند.



حروف سه دسته اند :

یک دسته از حروف = «**حکایی**» هستند مثل «من»

یک دسته از حروف = «**ایجاد**» هستند مثل «واو قسم» و «یاء نداء»

یک دسته از حروف = هم صرفاً «**علامت**» هستند.

۱

روش تحقیق در بحث وضع، رجوع به «تبادر» است

و متبادر از «یاء» در «یا زید»، «**ایجاد نداء**» است.

۲

در کاف خطاب :

متبادر آن است که اینها «علامت» است و صرفاً می گوید که مخاطب کیست

ولی از معنایی حکایت نمی کند.

۳

۱

کامل نبودن مطلوب منسوب به امام درباره «کاف خطاب»

چراکه : اگر پذیرفتیم که اینها «علامت» هستند بر اینکه مخاطب مذکر است، در حقیقت پذیرفته ایم که اینها از معنایی حکایت می کنند

۲

به نظر می رسد که : کاف خطاب هم «ایجاد» است و مخاطبه را ایجاد می کند

۳

پس : این دسته از حروف **ایجاد** هستند و لذا وضع شده اند به عنوان «آلت ایجاد»

و به همین جهت دارای معنی نیستند

و در آنها تقسیم بندی «وضع عام / خاص ؛ موضوع له عام / خاص» نمی آید

استثناء



۱

استثناء :

با «فعل» = أكرم القوم و استثنى منه زيدا و أكرم القوم حاشا زيدا

با «اسم» = أكرم القوم غير زيد

با «حروف» = أكرم القوم الا زيدا

۲

محل بحث = استثناء به وسیله «حروف»

این بحث از «استثناء عقیب جمل متعدده» شروع شده است

برخی از اصولیون :

امکان ندارد که «استثناء» به همه جمله ها تعلق گرفته باشد

دلیل : در حروف قائل به «وضع عام ؛ موضوع له خاص» شده اند

در حالی که :

در مثل «أكرم العلماء و أطعم الشعراء و أضف الأدباء الا الفساق منهم»

عرفاً

هم «رجوع استثناء به همه عمومات» و هم «رجوع آن به آخرین عام»، ممکن است

اگر عام ها جهت واحدی داشتند = ممکن است استثناء به همه برگردد.

۱

(اکرم العلماء و اکرم الادباء و اکرم الشعراء الا الفساق = اکرم العلماء و الادباء و

الشعراء الا الفساق)

اگر جهت واحدی نبود = باید استثناء متعددی داشته باشیم

۲

و لذا باید بپذیریم «الا» استعمال شده است در اکثر از معنای واحد.

حکم استعمال لفظ در اکثر از معنی

۳

- اگر استعمال را «إفناء لفظ در معنی» بدانیم = ممکن نیست

- اگر استعمال را «جعل اللفظ علامة للمعنی» بدانیم :

چنین نحوه استعمالی در جاهای دیگر ممکن است

ولی در استعمال حروف ممکن نیست.

بیان چرایی عدم امکان در حروف (در صورت دوم)

معانی حروف را نمی توان مستقلا لحاظ کرد و تنها وقتی می توان حروف را

لحاظ کرد که طرفین آن را هم لحاظ کرده باشیم.

و چون طرفین متعدد است، لا جرم باید «الا» هم متعدد باشد.

۱ قائل شدن به «وضع عام؛ موضوع له عام» در «حروف استثناء»

۲ **صورت اول استثناء:** «اکرم العلماء و اصف الادباء الا الفساق منهم»
در این صورت: همواره می توانیم به قدر مشترکی در میان «مستثنی منه ها» دست
بیابیم.

۳ **صورت دوم استثناء:** «اکرم العلماء و اصف الادباء الا الفساق (بدون «منهم»)

در این صورت: می توان به حذف مع القرینه قائل شد به جهت فهم عرف